

رضا زمردیان

خویشاوندیِ زبانها

تعیینِ خویشاوندیِ دقیقِ زبانها کار بسیار دشواری است، زیرا غالباً زبانهای دنیا بصورت خیلی ناقص مطالعه و طبقه‌بندی شده‌است. امروز هنوز از ساختمان و روابطِ زبانهای سرخ‌پوستان آمریکای شمالی، سیاهان آفریقا، بومیانِ استرالیا و گینه نو و بسیاری از زبانهای محاوره آسیا اطلاعی در دست نیست. در میان زبانهای دنیا، زبانهای اروپائی، زبانهای خاور نزدیک، زبانهای حوزه مدیترانه که دسترسی بآنها آسان بوده و ضمناً اسناد و مدارک تاریخی زیادی از آنها بدست آمده، دقیقاً مطالعه شده و از روی بعضی خصوصیات مشترک بگروهها و خانواده‌هایی تقسیم شده‌است. در قرن هیجدهم و بخصوص در نیمه اول قرن نوزدهم، زبان‌شناسان فکر یافتنِ مبدا و احدی برای تمام زبانهای دنیا را در سر می‌پروراندند، در اوایل قرن هیجدهم لایبنیتس Leibniz فیلسوف و ریاضی دانِ آلمانی می‌گفت زبانهای اروپا و آسیا و حتی آفریقا و آمریکا دارای منشأ واحدی می‌باشند، یعنی خویشاوندند. در اوایل قرن نوزدهم دانشمندِ دیگرِ آلمانی فرانتس بوپ (Franz Bopp) که در پی یافتنِ زبان اولیه انسان بود بکشف زبان‌شناسیِ مقایسه‌ای

Comparative philology, grammaire comparée

زبانهای هند و اروپائی نائل آمد. وی در سال ۱۸۱۶ رساله‌ای منتشر کرد بنام:

Über das conjugationssystem der sanskritsprache, in vergleichung mit jenem der griechischen, lateinischen, persischen und germanischen sprache

در این رساله فرانتس بوپ پنج زبان سانسکریت، پارسی، یونانی، لاتین و ژرمنی را باهم مقایسه کرده و با دلایل علمی و منطقی ثابت نموده که این زبانها از زبان واحد مفروضی بنام هندواروپائی منشعب شده‌اند که روزگاری زبان مشترک اقوام اروپائی و آریائی بوده‌است و پس از آن که سخنگویان باین زبان بدلایلی از سرزمین اولیه‌شان که باختلاف آسیای مرکزی (پامیر - ترکستان)، استپ‌های جنوب روسیه، جلگه‌های شمالی آلمان و ... ذکر شده، کوچ کردند و در سرزمین‌های اروپا، ایران و هند پراکنده گشتند، زبان‌شان با زبان بومیان میهن جدیدشان آمیخته گردید و بمرور زمان جداگانه تکامل یافت.

باین ترتیب زبان مادر از میان رفت و زبانهای تازه‌ای پدیدار گشت که بظاهر شباهتی باهم ندارند و اگر هم دارند ناچیز است، بهمین جهت است که نمی‌توانیم طبقه‌بندی درستی از آنها بکنیم، زیرا اصولاً زبان در طول زمان زیاد تغییر می‌کند و بدون در دست داشتن مدارکی از آن که مربوط به پنج هزار سال، هزار سال و حتی سیصدسال پیش باشد نمی‌توان از آن هیچ نوع طبقه‌بندی صحیحی کرد. اگر زبان تاریخ بلعمی، ترجمه تفسیر طبری و هدایة المتعلمین فی الطب را با زبان روزنامه‌ها و مجلات هفتگی امروز مقایسه کنیم، یا زبان انگلیسی که داستان بیوولف Beowulf بدان انشاء شده با زبان انگلیسی روزنامه‌های آمریکا که وقایع مربوط به ورزش را

ثبت و ضبط می‌کنند بسنجیم میزان این تحول بخوبی معلوم می‌گردد. زبانهایی که برای آنها ریشه و نیای واحدی فرض می‌شود ظاهراً خیلی با هم تفاوت دارند مانند فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، روسی، یونانی، آلبانی، ارمنی، فارسی و هندی. همه این زبانها متعلق به خانواده موسوم به هند و اروپائی می‌باشند. نام هند و اروپائی از آنجا بر آن اطلاق می‌شود که قسمت اعظم زبانهای اروپائی و نیز از سوی مشرق تا هندشمالی را دربرمی‌گیرد و بر رویهم بیشتر از یک بلیون تن باین زبان سخن می‌گویند. در غالب زبانهای هند و اروپائی نامهای اعداد از یک تاده، نامهایی که خویشاوندی نزدیک را می‌رساند (پدر، مادر، برادر، خواهر) و نیز بسیاری از کلمات اساسی دارای ریشه مشترک می‌باشند. کلمه «برادر» در فرانسوی "frère"، در لاتین "frater" در سانسکریت "bhrata"، در انگلیسی "brother" و در روسی "brat" می‌باشد. در قرن شانزدهم یک نفر ایتالیائی بنام ساستی Sasseti که به هند مسافرت کرده و به فراگرفتن زبان سانسکریت پرداخته بود، شباهتهای آشکاری میان ایتالیائی و سانسکریت مشاهده کرد که از آن جمله بود sei، sette، otto، nove، dio، serpe که معادل آنها در سانسکریت به ترتیب saṣ «شش»، sapta «هفت»، aṣṭau «هشت»، nava «نه» و deva «ده» و sarpa «مار» می‌شد. در اوایل قرن نوزدهم فرانتس بوپ و برادران گریم Grimm زبان شناسی مقایسه‌ای را بوجود آوردند و باین ترتیب توانستند راه و موضوع خویشاوندی زبانهای هند و اروپائی را مشخص سازند. خانواده بزرگ زبانهای هند و اروپائی که تقریباً نصف جمعیت روی زمین بدان سخن می‌گویند به شعبه‌هایی تقسیم می‌شود که تعداد سخن‌گویان به بعضی از این شعبه‌ها مانند: هند و ایرانی، ژرمنی، رومی، اسلاوی خیلی زیاد است، در حالی که سخنگویان شعبه‌های دیگر مانند یونانی، ارمنی، سلتی و آلبانی بسیار کم است. این شعبه‌ها در داخل

خود نیز انشعاباتی حاصل کرده‌اند: مثلاً شعبه رومی به زبانهای فرانسوی ایتالیایی، اسپانیایی و... تقسیم شده که شباهت این زبانها با یکدیگر بمراتب بیشتر از شباهت آنها با زبانهای مثلاً آلمانی و ایرانی است. علت این امر روشن است، زیرا زبانهای فرانسوی، ایتالیایی و اسپانیایی در دوره‌های مشخص تاریخی از زبان لاتین جدا شده‌اند و ارتباط آنها با یکدیگر هیچگاه بطور کامل قطع نشده است، در حالی که شعبه‌های مختلف زبانهای هند و اروپائی در زمانهای ماقبل تاریخ، پیش از آنکه خط اختراع شود بتدریج از زبان مادر (هندواروپائی) جدا شده‌اند و هر گروهی به نقطه‌ای مهاجرت کرده و در نتیجه این مهاجرت ارتباطشان با یکدیگر قطع شده است و زبان‌شان جداگانه تکامل یافته و بصورت لهجه‌ای از زبان اصلی درآمده است که در طی قرون متمادی بکلی تغییر شکل داده است و فقط نشانه‌های مختصری از زبان اصلی را حفظ کرده است. این تغییر و دگرگونی بحدی است که یک نفر تهرانی، مشکل بتواند تصور کند که زبانش با زبان اهالی پاریس، نیویورک و مسکو در گذشته یکی بوده است.

از میان زبانهای جدید هندواروپائی که از زبان شناسان تصور می‌کنند از دیگر زبانها به زبان اصلی، یعنی زبان مادر نزدیک‌تر باشد، زبان اهالی لیتوانی، ساکنان سواحل دریای بالتیک است که تعدادشان شاید به سه میلیون نفر برسد. علت کهنگی این زبان در اینست که لیتوانی در منطقه محدودی واقع شده که در گذشته کمتر تحت تأثیر جریانهای بزرگ تمدن قرار گرفته بهمین جهت بسیاری از نشانه‌های کهنگی را که زبان لاتین و یونانی قدیم مدتها پیش از دست داده‌اند در خود نگهداشته است. نمیتوان انکار کرد که میان زبان و تمدن رابطه‌ای مستقیم وجود دارد، زبانهایی که بیشتر تحت نفوذ جریانهای تمدن واقع شده‌اند بیشتر تغییر کرده‌اند،

چنان که زبانهای ایرانی از نظر تحول دستوری در قرن اول میلادی بمرحله‌ای رسیده بودند که زبانهای رومی ده قرن بعد بدان پایه رسیدند. زبانهای هند و اروپائی و میزان قرابت آنها :

شاخه لاتین : زبانهای رومی که مستقیماً از زبان لاتینی، یعنی زبان مردم روم قدیم مشتق شده عبارتند از : فرانسوی، ایتالیائی، اسپانیائی، پرتغالی، رومانی و چند لهجه کم اهمیت مانند پرووانسال Provençal، رومانس کاتالان و ساردی. زبان لاتین در عهد باستان دو خویشاوند دیگر داشته بنام اسکی osque و امبری Ombrien که با هم شاخه ایتالی هند و اروپائی را تشکیل می‌داده‌اند. این دو زبان در ضمن تجزیه رومیها جذب زبان لاتین شده و از میان رفته‌است. «رومانیا» اصطلاحی است که در قرن پنجم میلادی برای نامیدن قسمت قدیمی امپراطوری روم که زبان لاتین در آن بصورت عامیانه درآمده بود، بکار رفته‌است. رومیهائی که از برادران غربی خود در دنباله حمله قوم اسلاو به بالکان، جدا شده بودند این نام را برای خود حفظ کردند و کشور و زبان خود را رومانی نامیدند. زبان رومانی در حقیقت دنباله زبان لاتین است که در حدود قرن دوم میلادی بوسیله لژیونرهای تراژان به داسی Dacie آورده شد. این زبان بعداً تحت تاثیر شدید زبانهای اسلاو قرار گرفت و با زبانهای رومی غربی اختلاف یافت.

شاخه ژرمنی - این شاخه شامل زبانهای: ایسلندی، نروژی، دانمارکی سوئدی، آلمانی، آلمانی یهودی (یدیش (yidich) انگلیسی، هلندی و فلاماندی می‌باشد.

از میان زبانهای ژرمنی زبان انگلیسی از همه وسیعتر و پردامنه‌تر است. آنگلو ساکسون که استخوان بندی انگلیسی را تشکیل می‌دهد، در گذشته شباهت زیادی با لهجه‌های ساحلی هلندی و آلمانی دریای شمال

داشته، اما فتح انگلستان در سال ۱۰۶۶ میلادی بتوسط نورمانها موجب شد که از زبان فرانسوی و لاتین کلمات و اشکال دستوری زیادی وارد زبان انگلیسی شود، بطوری که امروز می‌توان گفت انگلیسی زبانی است بر پایه و اساس ژرمنی با روسازی لاتین و فرانسوی.

از زبانهایی که امروز با انگلیسی خوشاوندند در درجه اول می‌شود از زبان هلندی و گونه‌هایش مانند فلاماندی و جنوب آفریقائی نام برد. زبان آلمانی از این لحاظ در مرتبه دوم قرار می‌گیرد، و زبانهای اسکاندیناوی مانند سوئدی و نوروی و دانمارکی خوشاوندی دور تری دارند. لهجه فریزون frison که یکی از گونه‌های زبان هلندی است و در کناره‌های آلمانی و هلندی دریای شمال بدان تکلم می‌کنند، نزدیکترین زبان با انگلیسی جدید است. زبان ایسلندی که امروز نزدیک به دویست هزار سخن‌گو دارد، خیلی کم تحول یافته و از این لحاظ می‌توان گفت تنها زبان جدیدی است که با انگلوساکسون متداول در دوره آلفرد شباهت زیادی دارد. از آنجا که آثار مربوط به زبانهای انگلیسی، آلمانی، اسکاندیناوی و فریزون را می‌توان بدون وقفه تا قرن هفتم و هشتم میلادی مشاهده کرد و هر چه از این تاریخ عقب‌تر برویم خوشاوندی این زبانها بیشتر می‌شود، می‌توان چنین تصور کرد که همه این زبانها از زبان واحدی بنام ژرمنی اولیه منشعب شده‌اند.

شاخه اسلاو - شاخه اسلاو شامل زبانهای روسی، بلغاری، سربی، اسلوون slovene، چکی، اسلواکی و لهستانی می‌باشد. نکته‌ای که در مورد زبانهای این شاخه قابل توجه است اینست که زبانهای اسلاو شاید بیشتر از زبانهای سایر شاخه‌های هند و اروپائی بیکدیگر نزدیک باشند، چرا که یک نفر روسی، یک نفر یوگسلاوی، یک نفر بلغاری نسبتاً سهولت با یکدیگر تفهیم و تفاهم می‌کنند، در حالی که یک نفر انگلیسی، یک نفر آلمانی،

یک نفر هلندی و یک نفر سوئدی بدون فراگرفتن زبانهای یکدیگر نمی‌توانند تفهیم و تفاهم کنند .

شاخه سلتی - یکی دیگر از زبانهایی که از زبان مادر هندواروپائی جدا شده، زبان سلتی celtique است که بدو شاخه گاالی gaélique و بریتانی Britonique تقسیم می‌شود ، شاخه گاالی شامل ایرلندی و اسکاتلندی می‌شود ، و شاخه بریتانی شامل زبانهای گالوا gallois ، پروتن breton و کرنی cornique می‌باشد ، شاخه سومی هم از زبان سلتی وجود داشته که زبان گل‌ها gaulois بوده، قومی که در گذشته خیلی دور در قاره اروپا و حتی آسیای صغیر پراکنده بوده‌اند ، ولی امروز از این زبان هیچ اثری باقی نمانده است .

شاخه یونانی - از شاخه یونانی امروز بیش از یک زبان رسمی باقی نمانده است که همان یونانی جدید است ، اما در دوره باستان شامل چند گویش جداگانه بوده که تحت تاثیر اوضاع سیاسی و اجتماعی وقت هر کدام تحولی جداگانه یافته و شکل ویژه‌ای بخود گرفته است. این گویشها شامل چهار گروه آکه‌ای Achéen ، ائولی Éolien ، دُری dorien و یونی-آتنی Ionien attique می‌باشد .

شاخه هیتی - این شاخه از زبانهای هند و اروپائی بتازگی شناخته شده است . در آغاز قرن بیستم در نتیجه کاوشهای باستان‌شناسی اسناد ومدارکی از این زبان بدست آمد که از سال ۱۹۱۶ بی‌بعد خوانده شد . تاریخ الواح یافته شده این زمان مربوط به قرنهای ۱۹-۱۴ پیش از میلاد است ، بطوری که باستان‌شناسان اظهار نظر می‌کنند قوم هیتی تا حدود قرن ۱۲ پیش از میلاد بر آسیای صغیر حکومت می‌کرده و در این تاریخ بر اثر هجوم قوم دیگری از میان رفته است .

تخاری، ارمنی، آلبانی - شاخه‌های تخاری، ارمنی و آلبانی از شاخه‌های ویژه هندواروپائی هستند که برخی از آنها مانند تخاری تا امروز ادامه نیافته و دوشاخه دیگر هم که ادامه یافته‌اند تعداد گویندگان شان به نسبت شاخه‌های دیگر هند و اروپائی ناچیز است (ارمنی در حدود ۳/۵۰۰۰۰۰، آلبانی حدود ۱/۹۰۰۰۰۰).

شاخه هند و ایرانی یا آریائی - شرقی ترین عضو خانواده هند و اروپائی، شاخه هند و ایرانی است که شامل زبانهای ایرانی مانند: فارسی، تاجیکی، کردی، پشتو و... و زبانهای هندی مانند: هندوستانی، بنگالی، پنجابی، سنندی، گجراتی و... می باشد.

خانواده زبانهای سامی - حامی یکی دیگر از خانواده‌های بزرگ زبانهای دنیا خانواده زبانهای سامی - حامی است Chamio - sémetique که در خاور نزدیک و آفریقای شمالی و آفریقای شرقی بدان سخن می گویند. وسیع ترین زبانهای این خانواده زبان عربی، و مهمترین آنها از لحاظ تاریخ تمدن زبان عبری است. این خانواده در گذشته شامل زبانهای مصری باستان و قبطی نیز بوده است که از زبان قبطی زبان بربری های شمال آفریقا و زبان حبشی مشتق شده است.

زبانهای مشهور دیگر دنیا را تحت عناوین مختلفی طبقه بندی می کنند که از آن جمله خانواده اورال و آلتائی و چینی-تبتی است.

خانواده اورال و آلتائی شامل زبانهای: فنلاندی، استونی، مجاری، ساموید samoyed، ترکی، مغولی، منچوری و لاپونی می باشد.

خانواده زبانهای چینی - تبتی که پس از خانواده هندواروپائی بزرگترین خانواده زبانهای دنیاست، شامل زبانهای چینی، سیامی، برمه و تبتی می باشد.

زبانهای ژاپونی، کره‌ای، قفقازی، دراویدی هند، مالی و پلی نزی را

جداگانه طبقه‌بندی می‌کنند. از زبانهای سیاهان آفریقا، بومیان آمریکای شمالی، مرکزی، جنوبی و نیز بومیان استرالیا هنوز تقسیم‌بندی درستی نشده‌است و نام‌گذاریهائی از قبیل زبانهای بانتو و یا زبانهای سرخ‌پوستان یک‌نوع نام‌گذاری جغرافیائی است نه زبان‌شناسی، زیرا اختلاف این گروهها باندازهٔ اختلافاتی است که مثلاً انگلیسی را از عربی و فارسی را از چینی جدا می‌کند. سؤالی که در این جا مطرح می‌شود، اینست که آیا می‌توان این طبقه‌بندی کنونی را اصلاح کرد و بصورت بهتری درآورد؟ پاسخ اینست که روابط خویشاوندی زبانها بطور نسبی متکی بر اسناد و مدارکی است که فعلاً در دست است و شاید بپوزی برسد که زبان‌شناسان بر آرزوی دیرین خود که یافتن منشأ مشترک همهٔ زبانها باشد جامهٔ عمل بپوشند. اما پیش از آن که این خواب تعبیر شود باید گفت که سیستم طبقه‌بندی کنونی قطعاً همراه با گذشت زمان تغییر خواهد کرد، ولی در حال حاضر بهتر از این طبقه‌بندی نمی‌توان توقع و انتظار داشت.

برای نوشتن این مقاله از کتابهای زیر استفاده شده است:

- 1— Histoire du langage, Maria Pei, professeur à la Colombia University.
- 2— Les grands courants de la linguistique moderne, Maurice leroy, professeur à l'université libre de Bruxelles.
- 3— Origine et préhistoire du langage, G. Révész professeur à l'université D'Amsterdam.
- 4— Le langage et les langues L. Humberger directeur d'etudes de linguistique africaine à l'ecole pratique des hautes études.
- 5— Histoire de la linguistique des origines auXXe siècle, Gerge Mounin.